

بررسی نقش سرمایه‌های اجتماعی در کاهش خطر زلزله در بافت تاریخی یزد (مطالعه موردی محله فهادان)

حسین کلاتری خلیل آباد^{۱*}، سیده مریم مهدویه^۲، سعید فلاح علی آبادی^۳

^۱دانشیار و عضو هیأت علمی جهاد دانشگاهی
^۲کارشناس ارشد بازسازی پس از سانحه، دانشگاه شهید بهشتی
^۳کارشناس ارشد مدیریت سوانح طبیعی، دانشگاه تهران

(تاریخ دریافت: ۹۱/۳/۱۵ تاریخ پذیرش: ۹۱/۷/۲۰)

چکیده

بافت‌های تاریخی به عنوان یکی از بخش‌های مهم شهری که واجد ارزش‌های میراثی و هویت بخش در شهرهای ایران هستند، هنوز در بسیاری از شهرها محل سکونت و معیشت میلیون‌ها نفر از شهروندان اند. این بافت‌ها در مقابل زلزله، ناپایدار و آسیب‌پذیرند. با تهیه برنامه‌های عملیاتی جامعه محور مبتنی بر استفاده از سرمایه‌های اجتماعی و برنامه ریزی صحیح قبل از وقوع سوانح و تدوین طرح‌های مدیریت بحران، ناشی از وقوع سوانح می‌توان به میزان قابل توجهی از تلفات و خسارات ناشی از وقوع سوانح کاست. از این رو به طور کلی می‌توان با شناسایی سرمایه‌ها و گروه‌هایی اجتماعی موجود در محلات، میزان تأثیر آن‌ها را در کاهش خسارات ناشی از وقوع زلزله از طریق مشارکت در برنامه‌های در نظر گرفته شده در محلات شهری سنجید. در این راستا پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش سرمایه‌های اجتماعی در کاهش خطرپذیری شهرها در برابر زلزله با رویکرد کیفی با روش توصیفی و تحلیل داده‌های کمی صورت گرفته است. در جمع‌آوری داده‌ها از روش‌های مرور اسناد و مدارک، توزیع پرسشنامه و مصاحبه با استادان، خبرگان و متخصصان امر و همچنین بررسی نقشه‌های آسیب‌پذیری کالبدی محله در برابر زلزله استفاده شده است. جامعه آماری پژوهش، خانوارهای ساکن در محله فهادان یزد و تعداد نمونه‌ها ۳۰۰ نفر بوده است. پایایی پرسشنامه از طریق آلفای کرونباخ (۸۶ درصد) و روایی آن از سوی صاحب نظران و اساتید مورد تأیید قرار گرفته است. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از آزمون همبستگی پیرسون در نرم‌افزار SPSS صورت گرفته است. نتایج به دست آمده، نشان می‌دهد که میزان تمایل مردم محله برای شرکت در برنامه‌های کاهش خطر زلزله با میزان مشارکت، وضعیت روابط اجتماعی و خویشاوندی و اعتماد ساکنان به گروه‌های موجود در محله ارتباط مثبت دارد.

واژگان کلیدی: سرمایه اجتماعی، کاهش خطر، زلزله، محله فهادان یزد.

اگرچه جلوگیری از وقوع زلزله امکان پذیر نیست ولی کاهش آسیب‌های ناشی از آن ممکن است. چیزی که بیش از همه اهمیت دارد، نجات جان انسان‌ها در برابر این رخداد طبیعی است (شیعه، ۱۳۸۹). در این میان نقش نیروهای مردمی به عنوان گروه‌های فعال در زمینه ایجاد آمادگی در برابر زلزله و کاهش اثرات آن غیر قابل انکار است. برای بهره‌گیری از توان نیروهای مردمی، شناخت خواسته‌های مردم به وسیله برنامه ریزان از اصول اساسی است. این امر موجب می‌شود تا گروه‌ها با چانه زنی و سازش بتوانند در فرآیند تصمیم‌گیری و تهیه طرح‌ها مشارکت نموده و از طریق توزیع قدرت به منافع مورد نیاز خود دست یابند (Blowers, 1998).

مهم‌ترین ضرورت این پژوهش، خطرپذیری بالای شهرهای کشور بویژه بافت‌های تاریخی در برابر زلزله و توجه کافی نکردن به نقش گروه‌ها و سرمایه‌های اجتماعی در کاهش خطرپذیری زلزله است.

بافت تاریخی شهر یزد، با وجود برخورداری از جاذبه‌های گردشگری فراوان، با مشکلات زیادی روبروست. محله فهادان به عنوان قدیمی‌ترین محله شهر یزد از عوامل متعددی که باعث افزایش آسیب‌پذیری محله می‌شوند، رنج می‌برد. وجود نداشتن سازه مطمئن در بناها به دلیل قدمت زیاد، عرض کم معابر، شکل‌گیری بافت بر اساس همسازي با اقلیم کویر و همچنین ظاهر فرسوده ساختمان‌ها از جمله مسائل قابل مشاهده در محله‌اند که در برخی موارد، نوسازی‌های فاقد کیفیت و نامقاوم، آسیب‌پذیری کالبدی را نیز تشدید نموده‌است. همچنین محله با مشکلات و مسائلی نظیر مهاجرت افراد محلی و ساکن شدن افراد غیر بومی مواجه است. (آرمانشهر، ۱۳۸۶) با وجود این مسائل، انسجام اجتماعی و کیفیت زندگی محله‌ای و به دنبال آن، حس تعلق در افراد محله چندان کم رنگ نشده است. نشانه‌های این امر را می‌توان در گروه‌هایی مردمی از جمله هیأت عزاداری فهادان، هیأت امنای فهادان، امور خیریه و سازمان‌های مردم‌نهاد مشاهده نمود (مهدوی، ۱۳۹۱).

از آنجایی که آسیب‌پذیری به عنوان درجه شکنندگی یک فرد، جامعه یا یک منطقه نسبت به خطرات محسوب می‌شود و از طرف دیگر مجموعه‌ای از شرایط و فرآیندهای جسمانی، اجتماعی، اقتصادی و عوامل محیطی موجب افزایش حساسیت یک جامعه نسبت به مخاطرات می‌گردد، پژوهش حاضر به بررسی و یافتن رویکرد مبتنی بر استفاده از ظرفیت‌های اجتماع در کاهش خطر زلزله برای محله فهادان در یزد می‌پردازد.

پرسش‌های اساسی که این تحقیق به دنبال پاسخ‌گویی به آن‌هاست، عبارتند از:

۱. ظرفیت‌ها و منابع اجتماعی مؤثر در کاهش خطر لرزه‌ای بافت تاریخی فهادان کدامند؟
۲. سرمایه اجتماعی به منظور اجرای برنامه‌های کاهش خطر در بافت تاریخی فهادان به چه میزان است؟

کشور ایران، با وجود گستردگی و وسعت، دارای تنوع آب و هوایی و شرایط متفاوت محیطی است. این مسأله احتمال وقوع بسیاری از بلاهای طبیعی را در کشور فراهم ساخته است. این خطرها منجر به بروز مشکلات فاجعه آمیز خواهند شد که بحران‌های بسیاری را به همراه خواهد داشت (محبوبی، ۱۳۸۶). در کشورهای پیشرفته به لطف پیشرفت فناوری و اجرای برنامه‌های آمادگی و کاهش خطر مبتنی بر فعالیت‌های جامعه محور، تلفات انسانی سوانح طبیعی بسیار کاهش یافته است. در این کشورها با در نظر گرفتن ضعف‌ها و مشکلات مربوط به بافت‌های شهری، برنامه‌ریزی گسترده‌ای نسبت به حل مشکلات آن‌ها صورت می‌گیرد. (احمدی، ۱۳۸۵).

در این راستا برای مقابله با حوادث غیرقابل پیش‌بینی و کاهش خسارت‌ها و پیامدهای ناخوشایند آن می‌توان به اقدامهایی نظیر ارتقای سطح آمادگی، شناخت و درک صحیح مردم از انواع حوادث پیش‌بینی شده و خطراتی که محیط زندگی و کار آنان را تهدید می‌کند و آموزش راهکارها و روش‌های ایمنی و کنترل حوادث و خطرات به افراد جامعه اشاره کرد. در زمینه ضرورت مقابله در برابر سوانح طبیعی واقعیت‌های زیر دارای اهمیت است:

- سوانح و بلاهای جدیدی در حال افزودن به فهرست خطرهایی است که جوامع محلی را تهدید می‌کند،
- تعداد و بزرگی سوانح به طور عمده در حال افزایش است؛
- هزینه‌های ناشی از سوانح روبه افزایش است؛
- آسیب‌پذیری جوامع محلی در برابر سوانح و بلاها در حال افزایش است؛

- برخورد با این مسائل احتیاج به انجام اقدامات و تغییرات ریشه‌ای و بنیادی دارد (عسگری، ۱۳۸۳).

راهبرد مناسب برای مقابله با این سوانح، مداخله مستقیم مردم، در جهت مقابله با حوادث غیر مترقبه است. در دهه ۶۰ و ۷۰ میلادی، برنامه ریزی مشارکتی به دلیل مداخله مستقیم مردم در فرآیند تصمیم‌گیری‌ها در مرکز تحولات دنیا قرار گرفت. (Klosteman, 1983, Healy, 1992). به عبارت دیگر با مشارکت عمومی مردم، فرآیند تدوین سیاست‌ها، اهداف و طرح‌های مؤثر در محیط زندگی، به طور مستقیم صورت می‌گیرد (Wihick, 1999). مطالعات انجام شده در دنیا نشان می‌دهد که آسیب‌پذیری گروه‌های مختلف مردم ساکن در نواحی سانحه خیز، بسته به سطح زندگی و وضعیت اجتماعی و اقتصادی آن‌ها در نقاط مختلف دنیا متفاوت است. بنابراین آسیب‌پذیری، تنها نتیجه خطرپذیری مناطق نبوده بلکه نتیجه فرایندهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی هم هست و سانحه، یک وضعیت نهایی است که از این فرایندها ناشی می‌شود (احدنزاد، ۱۳۸۹).

با بهره‌گیری از سرمایه‌های اجتماعی، ریشه‌های آسیب‌پذیری در یک جامعه شناسایی شده و موانع موجود بر سر راه توسعه روشن می‌گردند. به این ترتیب می‌توان با تغییر ساختارها، با عواملی که سبب ایجاد یا تشدید نابرابری‌ها و عدم توسعه می‌شوند، مقابله نمود.

۱. مبانی نظری تحقیق

یکی از رویکردهای کاهش خطرپذیری، رویکرد جامعه‌محور است. در این رویکرد مردم فعالانه در فرایند شناسایی و تحلیل خطرات ناشی از سوانح شرکت می‌کنند تا ضمن شناسایی خطرات، از میزان آسیب‌پذیری کاسته و ظرفیت‌های موجود را ارتقا بخشند. (جهانگیری، ۱۳۸۹) مشارکت مستقیم جامعه برای موفقیت در اقدامات لازم برای کاهش خطرات ناشی از سوانح در همه سطوح ملی، منطقه‌ای و به ویژه محلی ضروری است.

اجرای رویکرد جامعه‌محور در کاهش خطر به سه عامل اساسی وابسته است که تمام این عوامل به مرحله آمادگی و قبل از وقوع سانحه مربوط می‌شود. همچنین استفاده از این رویکرد، کاهش آسیب‌پذیری جامعه و کاهش خطرات ناشی از سوانح را فراهم می‌کند. از نظر لورنا (۲۰۰۲) اجزای رویکرد جامعه‌محور عبارتند از:

- ۱- مشارکت مردم
- ۲- اولویت‌بندی گروه‌های آسیب‌پذیر، خانواده‌ها و مردم در جامعه
- ۳- اقدامات کاهش خطر جامعه

برنامه‌ریزی جامعه‌محور به منظور کاهش خطرپذیری در برابر زلزله، فرآیندی است که قبل از وقوع سانحه برای کاهش خسارت‌ها و آسیب‌ها و با استفاده از منابع محلی صورت می‌گیرد و اهداف اصلی آن شامل افزایش آگاهی مردم، کاهش آسیب‌پذیری اجتماعی و کالبدی از جمله بناها و بافت‌های تاریخی و مدیریت عملیات مقابله با کمک سازمان‌های محلی است (جهانگیری، ۱۳۸۹).

در میان الگوهای موجود برای کاهش خطر سوانح با رویکرد جامعه‌محور، الگویی که نمایندگی مدیریت اضطراری آمریکا (FEMA) اشاره نموده، دارای جامعیت بیش‌تری نسبت به نمونه‌های مشابه است. برای این منظور چارچوب نظری تحقیق حاضر با توجه به ساختار این الگو به شرح زیر ارائه می‌گردد.

با توجه به الگوی ارائه شده در جدول ۱، استفاده از سرمایه اجتماعی یکی از راهکارهای پاسخ به نیازهای واقعی جامعه، تعامل و توانمندسازی همه بخش‌های جامعه و به طور کلی تقویت جوامع محلی است.

جدول شماره ۱: الگوی پیشنهادی جامعه‌محور در مدیریت اضطراری FEMA

عوامل اصلی	اهداف	عوامل فرعی	روش کار
درک و پاسخگویی به نیازهای واقعی کل جامعه	افزایش آگاهی مردم برای شرکت در فعالیتهای مربوط به مدیریت شرایط اضطراری	<ul style="list-style-type: none"> • درک پیچیدگی جامعه • شناسایی قابلیت‌ها و نیازهای جامعه 	<ul style="list-style-type: none"> • پایش جامعه و نشان دادن اطلاعات برای آشکار ساختن الگوها
تعامل و توانمندسازی همه بخش‌های جامعه	تقویت ظرفیت‌های محلی برای مقابله با عواقب ناشی از تهدیدات و خطرناکها	<ul style="list-style-type: none"> • ترویج روابط با رهبران جامعه • توانمندسازی اقدامات محلی 	<ul style="list-style-type: none"> • داشتن نگرش و بینش در درک جامع از جامعه • ایجاد اعتماد به عنوان عامل ارتباطی میان دولت و مردم و تحکیم‌کننده روابط • شناسایی اولویت‌ها، سازماندهی و پشتیبانی برای اجرای برنامه‌ها و ارزیابی نتایج
تقویت جوامع	یافتن راه‌هایی برای حمایت و تقویت نهادها و افزایش تاب‌آوری ساختار جامعه.	<ul style="list-style-type: none"> • ساخت و حفظ مشارکت • تقویت زیرساخت‌های اجتماعی، شبکه‌ها و دارایی‌ها 	<ul style="list-style-type: none"> • برنامه‌ریزی، سازماندهی، کنترل و هماهنگی • شناسایی، ارزیابی و تأمین نیازها به وسیله افراد • سازماندهی و مدیریت زیرساخت‌های اجتماعی با شرکت در گفتگوها و فرایندهای تصمیم‌گیری

۲. سرمایه اجتماعی^۱

بر اساس نظر پاتنام (۱۳۸۴)، سرمایه اجتماعی شبکه‌ای از روابط و پیوندهای مبتنی بر اعتماد اجتماعی بین فردی و بین گروهی و تعامل‌های افراد با گروه‌ها، سازمان‌ها و نهادهای اجتماعی است

که دارای بیش‌ترین همبستگی و انسجام اجتماعی و انرژی لازم برای تسهیل‌کننده‌ها در جهت تحقق اهداف فردی و جمعی است (شهبازی، ۱۳۹۰).

عوامل قابل بهره‌برداری در بردارنده سرمایه اجتماعی عبارتند از:

افزایش امنیت محله، جریان اطلاعات در بین ساکنان محله و همیاری در امور مشارکتی می‌داند. پاتنام (۱۳۸۴) به نقش سرمایه اجتماعی در افزایش بهای مسکن اشاره می‌کند و آن را از عوامل بقای محله به شمار می‌آورد. در محله‌هایی که سرمایه اجتماعی شکل می‌گیرد، مسایل اجتماعی مثل اعتیاد، جرم و موارد مشابه آن کم‌تر است، به عبارت دیگر سرمایه اجتماعی در سطح محله، افزایش امنیت محله و کاهش جرایم را در پی خواهد داشت. به طور کلی محله‌ها با سرمایه بیش‌تر، امن‌تر هستند و از میزان اعتماد اجتماعی بالاتری برخوردارند و آمادگی بیش‌تری برای برخورد با مسایل محلی دارند (باستانی، ۱۳۸۷).

هر چند محققان و نظریه‌پردازان، تعریف‌های گوناگون و متفاوتی از سرمایه اجتماعی بیان نموده‌اند اما با جمع‌بندی آن تعریف‌ها می‌توان به مؤلفه‌های مشترک تشکیل دهنده سرمایه اجتماعی دست یافت. از آن‌جا که سرمایه اجتماعی، انفرادی ساخته نمی‌شود و برای تولید و بازتولید آن باید گروه یا شبکه اجتماعی تشکیل گردد، پس وجود مشارکت در گروه یا شبکه اجتماعی اصل ضروری تشکیل سرمایه اجتماعی به شمار می‌آید. عنصر بعدی وجود کم‌ترین اندازه‌ای از اعتماد در گروه است. مؤلفه بعدی، وجود انسجام و همبستگی در روابط اجتماعی اعضای گروه است که مبتنی بر ارزش‌ها و هنجارهای خاص و مورد توافق گروه است.

فرست و کرن (۲۰۰۱) حوزه‌های سرمایه اجتماعی ویژه روابط همسایگی و محله‌ها را بر شمرند که در جدول شماره ۲ به گونه‌ای کوتاه، بیان گردیده است:

دوستی، همسایگی، آشنابان، همکاران، عضویت، شهروندی و شهروندان، جذب دو سویه، نفوذ، علاقه‌مندی، سرمایه طبیعی یا فیزیکی، سرمایه مالی - اقتصادی، سرمایه انسانی، دارایی، احترام متقابل، حمایت متقابل.

از نظر پلینگ، سرمایه اجتماعی به عنوان یک دارایی محسوب گردیده که به طور بالقوه فرصت‌هایی برای افراد کم درآمد و جوامع تحت فشار و محدودیت، برای دسترسی به منابع به منظور افزایش امنیت و کاهش آسیب‌پذیری از طریق فرایند مشارکتی و منطقی است (Pelling, 2002).

عوامل مؤثر برای جلب سرمایه‌های اجتماعی از سطوح مختلف به منظور آمادگی در برابر وقوع سوانح را می‌توان شامل تسهیل سازماندهی‌ها به منظور تأثیر بر تصمیم‌گیری‌ها در اجتماع، (Falk and Kilpatrick, 2000)، ایجاد انجمن‌های محلی برای برگزاری دوره‌های آموزشی کسب آمادگی در برابر سوانح و تشکیل تیم‌های واکنش در شرایط اضطراری (Pelling, 2002) و مشارکت سازمان‌های محلی با شبکه‌های گسترده‌تر دانست. از طرفی پروژه‌های محلی مرتبط با آمادگی جامعه محور، در شرایط وقوع سوانح باید مورد بررسی قرار گیرند و سپس به عنوان بخشی از یک فرایند وسیع و عمیق در تغییرات توسعه‌ای به شمار آمده و نباید به عنوان عضو مجزایی از زمینه‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی به شمار آیند (Eade, 1997).

۱-۲. سرمایه اجتماعی محله

جین جیکوبز (۱۹۶۱) "سرمایه اجتماعی محله" را عامل مهم در

جدول شماره ۲: حوزه‌های سرمایه اجتماعی

حوزه	تشریح	سیاست‌های محلی
توانمند سازی	به این معنا که مردم احساس می‌کنند حق اظهار نظر دارند و به نظرات‌شان توجه می‌شود و در فرایندهایی درگیر هستند که از آن نفع می‌برند. همچنین مردم خودشان می‌توانند پیشگام در تغییرات باشند.	حمایت‌های جانبی برای گروه‌های اجتماع، دادن حق اظهار نظر به مردم محلی، کمک به حل مشکلات، مشارکت مردم محلی در امور سیاسی.
مشارکت	مشارکت مردم در فعالیت‌های دسته جمعی و اجتماعی زیرا وقایع در جایی رخ می‌دهد که مردم امکان ایفای نقش و سهم شدن در آن را دارند.	تأسیس سازمان‌های محلی و حمایت از فعالیت‌های آنان، شناساندن رویدادهای محلی به ساکنان
فعالیت‌های انجمنی و اهداف مشترک	مردم از خلال ایجاد گروه‌های رسمی و غیر رسمی برای کمک به پیشبرد منافع‌شان یا یکدیگر همکاری دارند.	توسعه و حمایت از شبکه‌های بین سازمانی در منطقه
شبکه‌های جانبی و غیرمتقابل	همکاری دوجانبه افراد و سازمان‌ها برای حمایت از یکدیگر در منافع متقابل نه منافع انحصاری و یا با این پیش فرض که در هنگام نیاز می‌توان درخواست کمک کرد یا به دیگران کمک نمود.	توسعه و حمایت از ویژگی‌های همکاری بین افراد و سازمان‌هایی که ایده حمایت اجتماع را گسترش می‌دهند و ویژگی‌های همسایه مورد اعتماد را تعیین می‌کنند.
هنجارها و ارزش‌های جمعی	به این معنا که مردم در هنجارها و ارزش‌های مشترک رفتاری، سهم هستند.	ترویج عادت‌هایی که ساکنان به رسمیت می‌شناسند، حمایت از روابط اجتماعی و منافع جمعی در بین مردم
اعتماد	به این معنا که مردم احساس کنند می‌توانند به هم محله‌ای‌های‌شان اعتماد کنند و همچنین به سازمان محلی که مسئول خدمت‌رسانی است اعتماد داشته باشند.	تشویق ساکنان منطقه به داشتن رابطه با یکدیگر، عمل به تعهدات سیاسی، فراهم کردن امکان ملاقات گروه‌هایی مخالف با یکدیگر
امنیت	به این معنا که مردم در محله‌های‌شان احساس امنیت کنند و استفاده از فضاهای عمومی به دلیل ترس برای‌شان محدود نشده باشد.	ترویج برنامه‌های ایجاد امنیت در محله از طریق خود ساکنان
تعلق	به این معنا که مردم احساس کنند با قلمرو منازل‌شان یا همسایگان‌شان ارتباط دارند و احساس تعلق به محل و مردمانش دارند.	ایجاد احساس تعلق در ساکنان و تقویت هویت مکانی از طریق طراحی، تجهیز و نام‌گذاری خیابان‌ها.

۳. فرضیه‌های تحقیق

فرضیه‌های تحقیق در دو دسته فرضیه اصلی و فرعی مورد بررسی قرار می‌گیرد:

فرضیه اصلی:

- سرمایه اجتماعی عاملی مهم در اجرای برنامه‌های کاهش خطر زلزله در محله است.

فرضیه‌های فرعی:

- هر چه میزان اعتماد و تمایل مردم محله به گروه‌های موجود بیش‌تر باشد، میزان تمایل آن‌ها برای شرکت در برنامه‌های کاهش خطر نیز بیش‌تر می‌شود.

- هر چه رابطه خویشاوندی بین مردم محله بیش‌تر باشد، میزان تمایل آن‌ها برای شرکت در برنامه‌های کاهش خطر نیز بیش‌تر می‌شود.

- اگر میزان مشارکت مردم محله در گروه‌های موجود بیش‌تر باشد، میزان تمایل آن‌ها برای شرکت در برنامه‌های کاهش خطر نیز بیش‌تر می‌شود.

۴. روش‌شناسی تحقیق

با توجه به ماهیت موضوع و مؤلفه‌های مورد بررسی، در پژوهش حاضر از روش تحقیق توصیفی-تحلیلی استفاده شده است.

مجموع تعداد خانوارهای آماری در محله، ۱۴۲۰ خانوار است

جدول شماره ۳: انواع شاخص‌های بررسی سرمایه‌های اجتماعی در محله فهادان

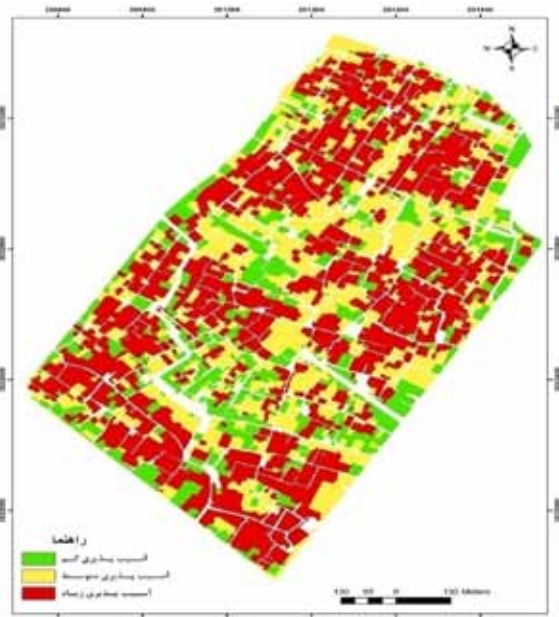
شاخص	سنجه		متغیر
اعتماد	شناخت و اعتماد به رهبران محله		میزان شناسایی و اعتماد مردم محله به رهبران محله
	شناخت و اعتماد به انجمن‌های محله		میزان شناسایی مردم محله و اعتماد آن‌ها به انجمن‌های موجود در محله
رابطه اجتماعی	شناخت مردم محله، حس تعلق خانواده به محله و منطقه	میزان علاقه‌مندی به محل زندگی، میزان استفاده خانواده از محله و منطقه	علت سکونت
			مدت سکونت
مشارکت	روابط خویشاوندی در محله	روابط همسایگی در محله	فضاهای مورد استفاده
			مشاوره و قرض دادن یا گرفتن
			میزان رفت و آمد با خویشاوندان
			محل سکونت خویشاوندان
			میزان رضایت از نزدیکی خویشاوندان
مشارکت	میزان فعالیت و عضویت خانوارهای محله در گروه‌ها و شوراها	میزان تمایل مردم محله برای شرکت در برنامه‌های کاهش خطر در برابر زلزله	میزان روابط با همسایگان
			میزان رضایت از روابط همسایگی در محل

مأخذ: مهدوی، ۱۳۹۱

۵. محدوده مورد مطالعه

در این پژوهش محدوده مورد مطالعه، محله فهادان در شهر یزد بوده است. این محله دارای ۱۲ زیر محله به نام‌های کشکنو، یوزداران (فهادان)، شاه ابوالقاسم، بازار نو، وقت و ساعت، شهر قلعه‌ای قدیم، قیصر، دو منار، دروازه شاهی، سر پلک، دارالشفای شاهزاده ابوالقاسم

است. مساحت محله معادل ۱۱۳،۶۶ هکتار و جمعیت ساکن در محله را ۷۱۴۳ نفر تشکیل می‌دهند. در شکل ۱ محدوده محله فهادان نشان داده شده است (فلاح علی آبادی، ۱۳۹۰).



شکل شماره ۲: آسیب پذیری کالبدی محله فهادان در برابر زلزله
مأخذ: فلاح علی آبادی، ۱۳۹۲



شکل شماره ۱: محدوده محله فهادان در بافت تاریخی یزد

محله فهادان به دلیل جنس مواد ساختمانی به کار رفته در بناها و همچنین شکل خاص معماری و شهرسازی آن که متعلق به چند قرن پیش است، از آسیب پذیری بالایی از جنبه کالبدی در برابر زلزله برخوردار است. از این رو شاخص‌های مؤثر بر آسیب پذیری کالبدی در محله فهادان شناسایی و به منظور سنجش میزان آسیب پذیری هر یک از نقاط محله مورد استفاده قرار گرفته است. این شاخص‌ها شامل تراکم جمعیت، فاصله از فضاهای باز، بیمارستان‌ها و ایستگاه‌های آتش‌نشانی، قدمت بناها و درجه محصور بودن و همچنین متغیر عرض معابر و کیفیت مواد ساختمانی است که پس از شناسایی لایه‌های مورد بررسی بر اساس میزان اهمیت هر عامل در آسیب پذیری یک مکان بر اثر زلزله با استفاده از روش AHP توسط کارشناسان و آگاهان محلی رتبه بندی و لایه‌های آن‌ها در GIS تعریف شده که وزن آن لایه در تهیه نقشه نهایی آسیب پذیری کالبدی منظور گردیده است.

در شکل ۲ وضعیت آسیب پذیری کالبدی محله در برابر زلزله مشاهده می‌شود. با توجه به نقشه آسیب پذیری کلی محله فهادان، توزیع مناطق با آسیب پذیری بالا در تمام محله دیده می‌شود که بیشترین مساحت را به خود اختصاص داده و این میزان حدود ۶۵ درصد از مساحت محله را در بر گرفته است. ۲۰ درصد از محله دارای آسیب پذیری متوسط و بقیه مساحت محله را فضاهای دارای آسیب پذیری کم به خود اختصاص داده‌اند (فلاح علی آبادی، ۱۳۹۲). از این رو با توجه به آسیب پذیری بالای محله، توجه به سرمایه‌های اجتماعی موجود در محله فهادان به عنوان یکی از راهکارهای کاهش خطرپذیری زلزله باید مورد بررسی قرار گیرد.

۶. بحث و یافته‌های تحقیق

به منظور بررسی میزان تمایل و مشارکت گروه‌های مردمی در برنامه‌های کاهش خطر زلزله در محله فهادان، فرضیه‌های تحقیق مورد بررسی قرار می‌گیرند. در این قسمت فرضیه‌های ذکر شده پیشین، در دو گروه اصلی و فرعی با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون بررسی می‌شوند.

با استفاده از تحلیل‌های آماری، میزان اهمیت سرمایه اجتماعی در اجرای برنامه‌های کاهش خطر زلزله در محله فهادان آشکار می‌گردد. بر اساس این تحلیل‌ها همان‌گونه که در جدول ۴ نمایش داده شده، ضریب همبستگی چندگانه بین متغیر سرمایه اجتماعی که موجب به سرانجام رسیدن برنامه‌های کاهش خطر می‌شود، $OR=473$ و ضریب تعیین که میزان تغییرپذیری در متغیر وابسته را توضیح می‌دهد، R^2 است و چون sig به دست آمده کمتر از ۵ درصد است بنابراین فرض خطی بودن الگو تأیید می‌شود. (قطعیت وجود رابطه خطی بین متغیرها). برای مقایسه تأثیر دو متغیر در الگوی رگرسیون بر متغیر وابسته از ضرایب استاندارد شده Beta استفاده می‌شود. این ضریب نشان می‌دهد که سرمایه اجتماعی عامل مهم و اصلی برای اجرای برنامه‌های مبتنی بر مشارکت مردمی به منظور کاهش خطر زلزله به شمار می‌رود.

جدول شماره ۴: رابطه میان شاخص سرمایه اجتماعی و به سرانجام رسیدن برنامه‌های کاهش خطر زلزله در محله

ضریب همبستگی	ضریب معناداری	ضریب بتای استاندارد ۱	ضریب بتای استاندارد ۲
۰/۴۷۳	۱	۰/۶۷۸	۰/۶۲۲

از مطالعات میدانی و نتایج پرسشنامه‌ها مشخص گردید که میزان تحصیلات و توان مالی اغلب خانوارها پایین است. جامعه قدیمی فهادان از خانواده‌هایی تشکیل شده که بسیاری از آن‌ها، بیش‌تر از ۲۰ سال است که در این محله زندگی می‌کنند. بیش‌تر ساکنان، همسایگان خود را شناخته و با آن‌ها رفت و آمد دارند. در برنامه‌های مختلف مذهبی مساجد و حسینیه‌ها شرکت می‌کنند و با افراد با نفوذ محله و مسجد خود را می‌شناسند، لیکن فعالیت اجتماعی آنان دارای اعتبار رسمی (مانند عضویت در یک تشکل رسمی) نیست و بیش‌تر، به صورت غیر رسمی و بر اساس روابط دوستانه و همسایگی شکل گرفته است. همچنین مشارکت مدنی آن‌ها با شهرداری و شورایی به دلیل نداشتن رابطه دوستانه با این نهادها، بسیار پایین است. این جامعه بیش‌تر، مالک خانه‌های حیاط دار قدیمی با حیاط مرکزی و حداکثر دو طبقه است.

میزان استفاده مردم از مساجد و حسینیه‌ها و امامزاده‌ها در محله بالا است. مکان‌هایی مانند مسجد جامع، حسینیه قدیم و بزرگ فهادان، امامزاده تاج‌الدین، سید رکن‌الدین و شاه ابوالقاسم از جمله مکان‌های پر مراجعه این محله است و با توجه به نقشه آسیب‌پذیری در منطقه با آسیب‌پذیری کالبدی متوسط مورد اشاره قرار گرفته‌اند. از طرفی دیگر در مناسبت‌های خاص و یا در روزهای خاصی از هفته، مردم از محله‌های دیگر شهر یزد را نیز به خود جذب می‌کنند. در نتیجه این مکان‌ها را به عنوان مکان‌های امن در هنگام زلزله و برای اجرای برنامه‌های کاهش خطر نمی‌توان در نظر گرفت، مگر آن‌که مقاوم‌سازی شوند. در حالی که مسجد جامع و حسینیه جدید فهادان را به دلیل قرار گرفتن در مناطق با آسیب‌پذیری کم، می‌توان به عنوان دو مکان ایمن در محله فهادان به شمار آورد.

نتیجه‌گیری

اقدامات پیش‌گیرانه از سوی نهادهای مسئول مدیریت بحران صورت گرفته و از سوی بخش‌های مختلف جامعه به اجرا در می‌آید. یکی از بخش‌های مؤثر در موفقیت زمینه‌سازی مدیریت بحران، سرمایه‌های اجتماعی و گروه‌های مردمی هستند. همان‌گونه که در این پژوهش مشخص گردید، سرمایه‌های اجتماعی به عنوان بخشی از ظرفیت‌ها و منابع برای اقدامات مرتبط با کاهش خطر زلزله لازم است با عامل آگاهی همراه باشد. آگاهی مردمی را می‌توان از راه برگزاری کلاس‌های مختلف و برنامه‌های آموزشی در سطح محله از طریق مساجد، حسینیه‌ها و مدارس ایجاد نمود. معرفی گروه‌های اجتماعی و تشویق مردم به حضور و مشارکت در برنامه‌ها، عامل موثری در حضور مداوم مردم در برنامه‌های کاهش خطر زلزله در محله محسوب می‌شود. اعتمادسازی از سوی این گروه‌ها و حمایت دولت از طرح‌های پیشنهادی گروه‌های اجتماعی فعال در محله به ارتقای آگاهی مردمی و به دنبال آن کاهش اثرات خطر زلزله در محله منجر می‌گردد.

تشکل‌های جامعه محور موجود که به صورت خودجوش از سوی مردم محله شکل یافته‌اند، قادر به کسب اعتماد ساکنان و جلب همکاری آنان هستند. از گذشته نیز سازمان‌ها و گروه‌هایی به وسیله

بررسی رابطه دو متغیر اعتماد و تمایل برای شرکت در برنامه‌های کاهش خطر بر اساس نتایج نشان داده شده در جدول شماره ۵، ضریب همبستگی برابر با ۰/۷۳۳ به دست آمد که بیانگر رابطه بالا و مثبت دو متغیر است. با توجه به سطح معناداری آزمون همبستگی پیرسون که کم‌تر از خطای فرض شده در پژوهش (۰/۰۵) است، رابطه بین دو متغیر معنادار است. به عبارتی بین متغیر اعتماد و تمایل برای شرکت در برنامه‌های کاهش خطر، رابطه معنادار وجود دارد و هرچه اعتماد ساکنان به گروه‌های موجود بیشتر باشد، میزان تمایل آن‌ها برای شرکت در برنامه‌های کاهش خطر زلزله نیز بالاتر است.

در تحلیل فرضیه دوم، همبستگی پیرسون بین متغیرهای رابطه خویشاوندی بین ساکنان و میزان تمایل آن‌ها برای شرکت در برنامه‌های کاهش خطر با توجه به سطح معناداری آزمون که کم‌تر از خطای فرض شده در پژوهش (۰/۰۵) است، نشان می‌دهد که بین آن‌ها رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. به عبارتی هرچه رابطه خویشاوندی مردم در محله بیش‌تر باشد، تمایل آن‌ها برای شرکت در برنامه‌های کاهش خطر نیز بیش‌تر است. همان‌گونه که در جدول ۵ مشخص شده، ضریب همبستگی برابر با ۰/۴۱۲ به دست آمد که بیانگر رابطه نسبتاً بالا و مثبت دو متغیر است. در بررسی رابطه دو متغیر مشارکت مردم در گروه‌هایی موجود در محله که از عناصر فرضیه سوم به شمار می‌آیند، ضریب همبستگی برابر با ۰/۶۷ به دست آمد که باز هم بیانگر رابطه بالا و مثبت دو متغیر است. با توجه به سطح معناداری آزمون همبستگی پیرسون (۰/۰۰۸) که کم‌تر از خطای فرض شده در پژوهش (۰/۰۵) گردیده، رابطه بین دو متغیر معنادار است. به عبارتی بین متغیر مشارکت مردم در محله در گروه‌های مختلف با تمایل آن‌ها برای شرکت در برنامه‌های کاهش خطر، رابطه معنادار وجود دارد و هرچه مشارکت مردم در محله در گروه‌های مختلف، بیش‌تر باشد تمایل آن‌ها برای شرکت در برنامه‌های کاهش خطر بیش‌تر است. مطالعات صورت گرفته در محله فهادان نشان می‌دهد که مردم این محله در هیأت‌های عزاداری و در روزهای خاص در گروه‌های مختلف در محله شرکت نموده و عده‌ای از افراد خاص در هیأت امنای مساجد و حسینیه‌ها مشارکت دارند که به نظر می‌رسد این افراد تمایل بیش‌تری برای شرکت در برنامه‌های کاهش خطر نشان می‌دهند.

جدول شماره ۵: میزان همبستگی متغیرهای پژوهش و تمایل برای شرکت در برنامه‌های کاهش خطر زلزله

نام متغیر	ضریب همبستگی پیرسون	سطح معناداری	رابطه معناداری
اعتماد	۰/۷۳۳	۰	وجود دارد
رابطه خویشاوندی	۰/۴۱۲	۰/۰۰۸	وجود دارد
مشارکت مردم در گروه‌های موجود در محله	۰/۶۷	۰	وجود دارد

معتمدان و به صورت هیأت امنای مساجد و هیأت‌های عزاداری در محله شکل گرفته‌اند که در زمینه‌های فرهنگی، هنری و مذهبی فعالیت می‌کنند و از طرف دیگر انجمن‌هایی در مدارس به عنوان انجمن اولیا و مربیان و انجمن همیاری محله نیز فعالیت دارند. این گروه‌ها در فعالیت‌های روزمره محله مانند اقدام‌های رفاهی و بهبود شرایط ناحیه شرکت می‌کنند. چنین فعالیت‌هایی، امکان شناسایی گروه‌های اجتماعی ساکن در محله و شرایط و نیازهای آنان را به دست می‌دهد و موجب می‌شود این گروه‌ها در شرایط عادی و بدون سانحه نیز کارایی خود را داشته باشند. همچنین می‌توان از وجود این سازمان‌ها و گروه‌هایی اجتماعی در اجرای برنامه‌های کاهش خطر با در نظر گرفتن ظرفیت آن‌ها استفاده کرد زیرا تجربه نشان داده در صورت استفاده از ظرفیت‌های مردمی، مقابله با سوانح با دشواری‌های کم‌تری روبرو می‌گردد و مردم آسیب‌دیده بازوی قدرت‌مندی برای دولت و سایر نیروهای امداد رسان در زمینه مدیریت بحران به شمار خواهند آمد.

با توجه به میانگین میزان سرمایه اجتماعی که از نتایج به دست آمده از پرسشنامه، ۴۸/۹ و انحراف معیار آن ۷/۴ است، نشان داده می‌شود که سرمایه اجتماعی در محله فهادان وجود دارد. مردم در گروه‌های مذهبی، بسیج و کلاس‌های فرهنگی-هنری تشکیل شده به وسیله بسیج خواهران و سازمان‌های مردم‌نهاد (NGO) در محله شرکت می‌کنند. بنابراین ظرفیت مشارکت مردم در محله وجود دارد. البته باید به عوامل تأثیر گذار در کم شدن انگیزه مشارکت در محله از جمله عدم توانایی مالی ساکنان، بالا بودن تعداد مهاجران و نداشتن حس تعلق آن‌ها نسبت به بافت نیز اشاره کرد. بنابراین می‌توان پیوند منافع مردم با برنامه‌های کاهش خطر را یکی از بهترین و مهم‌ترین عامل انگیزش مشارکت دانست که نتیجه آن افزایش آگاهی مردم نسبت به سوانح و کاهش خسارات وارده به جامعه است.

پیشنهادها

با توجه به بررسی فرضیه‌ها به استخراج نتایج به صورت گام‌های اجرایی پرداخته شد که با توجه به ویژگی‌های محله فهادان به ترتیب اولویت در محله پیشنهاد شده است:

- تشکیل شورایی‌ها در محله به تفکیک زیر محلات: فهادان، کوشک نو، لب خندق، لرد کیوان و دارالشفاء،
- تدوین برنامه و اختصاص بودجه از سوی مدیریت بحران استانداری به منظور انتخاب مکان‌های امن مانند مسجد جامع و حسینیه فهادان برای پایگاه بحران در محله،
- اعطای مجوز و اعتبارهای مالی لازم به منظور تبلیغات برای اجرای برنامه‌های کاهش خطر در سطح محله از طرف شهرداری منطقه تاریخی، میراث فرهنگی و مدیریت بحران استانداری با توزیع برگه‌های تبلیغاتی و توجهی در مکان‌های عمومی و مذهبی و برپایی کلاس‌ها و سخنرانی در سطح محله،
- استفاده از گروه‌های موجود و اعضای فعال در محله از میان تمام قشرهای جامعه از جمله جوانان، سالخوردگان و زنان،
- تشکیل کارگروه‌های خویشتاوندی و همسایگی در محله،

- انتخاب نماینده کارگروه‌ها با نظر اعضای گروه به عنوان رابط میان اعضا و کمیته بحران،
- تشکیل گروه اطلاعاتی از گروه‌های موجود مانند گروه بسیج، گروه همیاری محله و سازمان‌های مردم‌نهاد به منظور تهیه فهرست جامعی از منابع مالی و انسانی،
- برگزاری جلسات سخنرانی در مناسبت‌های خاص مانند سالگرد زلزله بم در مدارس برای دانش آموزان و پدر و مادرشان از جمله مدرسه احرامیان در محله فهادان،
- طراحی و اجرای برنامه‌های آموزشی در مراسم نوروز در بوستان زندان اسکندر و راسته بازار در نزدیکی زندان اسکندر و بازار چارسوق و همچنین برگزاری مراسم ماه محرم در حسینیه بزرگ و قدیم فهادان، حسینیه شاه ابوالقاسم، مسجد جامع امام حسین،
- اجرای تمرین‌های نمایشی در میان دو قشر کودکان و نوجوانان و زنان در مدارس و فضاهای باز محله زیر نظر مدیران مدارس و مدیریت بحران استانداری.

پی‌نوشت

1. Social capital

فهرست منابع و مراجع

- آرمانشهر، مهندسین مشاور (۱۳۸۶). **طرح راهبردی بافت فرسوده یزد**، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری وزارت مسکن و شهرسازی.
- احدنژاد، م. (۱۳۸۹). **ارزیابی آسیب‌پذیری اجتماعی شهرها مطالعه موردی شهر زنجان**، مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای.
- احمدی، ح. و شهایی، م. (۱۳۸۵). **ایمن‌سازی بافت تاریخی شهرها در برابر زلزله**، یزد: اولین همایش ملی مدیریت بحران زلزله در شهرهای دارای بافت تاریخی.
- باستانی، س. زمستان ۱۳۸۷، «بررسی جایگاه روابط محلی در شبکه‌های اجتماعی»، **مجله مطالعات اجتماعی ایران**، دوره دوم، شماره ۲.
- پاتنام، رابرت و کلمن، جیمز (۱۳۸۴). **سرمایه اجتماعی، اعتماد، دموکراسی، و توسعه**، مترجم تاج‌بخش کیان، نشر شیرازه.
- جهانگیری، ک. (۱۳۸۹). **مبانی مدیریت جامعه بحران**، انتشارات موسسه علمی کاربردی هلال ایران.
- حسینی نژاد، ژ. (۱۳۸۹). **بررسی روش‌های کاهش آسیب‌پذیری بازار تبریز در برابر زلزله و آتش‌سوزی**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
- شهبازی، م. (۱۳۹۰). **نقش تشکلهای جامعه محور در فرآیند مطالعاتی: منطقه ۱ شهرداری تهران**، محله اوین، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
- شبیعه، ا. حبیبی، ک. و ترابی، ک. (۱۳۸۹). «بررسی آسیب‌پذیری شبکه‌های ارتباطی شهرها در مقابل زلزله با استفاده از روش GIS.IHWP»، **فصلنامه باغ نظر**، ص ۳۵-۴۸.
- عسگری، علی، (۱۳۸۳)، «چرا مدیریت بحران»، **ماهنامه شهرداری‌ها**، سال ششم، ش ۶۸.

۱۱. عسگری، علی، (۱۳۸۳)، برنامه ریزی و مدیریت سوانح در آموزش عالی، «شهرداری‌ها»، سال ششم، ش ۶۰.
۱۲. فلاح علی آبادی، س، (۱۳۹۰)، تدوین طرح عملیاتی در برابر زلزله برای بافت تاریخی یزد (مطالعه موردی محله فهادان یزد)، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
۱۳. فلاح علی آبادی، س، (۱۳۹۲) «ارزیابی آسیب پذیری بافت تاریخی شهرها در برابر زلزله با استفاده از روش تحلیل سلسله مراتبی (AHP) و سیستم اطلاعات جغرافیایی (GIS) - مطالعه موردی محله فهادان یزد»، نشریه مدیریت بحران، شماره دوم.
۱۴. محجوبی، عظیم، (۱۳۸۶)، «نقش راهبرد آموزش در کاهش خسارت‌های ناشی از حوادث غیرمترقبه»، هفته نامه برنامه، سال پنجم، شماره ۲۱۷.
۱۵. مهدویه، س، (۱۳۹۱)، بررسی رویکرد جامعه محور در کاهش خطر پذیری شهر در برابر زلزله (نمونه مطالعاتی: محله فهادان)، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی.

16. Blowers, Andrew, (1998) **Society and Sustainability**, Town Planning into 21st Century.
17. Eade, D., 1997, **Capacity Building: An Approach to People-Centred Development**, Oxfam, Oxford
18. FEMA, (2006). **Emergency Planning**. Independent Study
19. Forrest, R. and A. Kearns (2001). "Social cohesion, social capital and the neighbourhood." **Urban Studies** 38(12): 2125-2143-
20. Falk, I., & Kilpatrick, S. (2000). **What is social capital?** A study of rural communities.
21. Sociologica Ruralis, 40 (1), 87-110.
22. Pelling, N.J. (2002). "The Use of Technology in Career Counseling". **Journal of Technology in Counseling [On-line serial]**, 2(2). Available
23. United Nations Development Programme (UNDP), (2002), **An overview of disaster management**. Training modules, un. disaster management Training program.
24. Wihick, Arnold, (1999), **Encyclopedia of Urban Planning**, McGraw, New yourk.
25. Klosterman ,Alexander E.R,(1983), **Fact and Value in Planning**, APA Journal, Spring

